



شاهنامه‌ی شاه خورشید

سنت حملد سراپی
در چهر



در ادب یارسی

نویسنده:
سیدعلی کاشفی خوانساری



نشر گویا

شاهنامه شاه خورشید چهر

نویسنده:

سیدعلی کاشفی خوانساری



نشر گویا

سرشناسه : کاشفی خوانساری، سیدعلی، ۱۳۵۰ - Kashefi Khansari, Ali

عنوان و نام پدیدآور : شاهنامه شاه خورشید چهر / نویسنده سیدعلی کاشفی خوانساری؛

همکاران آرش ابوترابی همدانی ... او دیگران.

مشخصات نشر : تهران، نشر گویا، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری : ۴۳۲ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۲۸-۶۳-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : همکاران آرش ابوترابی همدانی، سیدمحسن مهرابی، فاطمه مهری، آرزو انواری، فاطمه سادات میرصانع.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- در ادبیات

موضوع : شعر مذهبی فارسی -- تاریخ و نقد

موضوع : حمله خوانی

شناسه افزوده : ابوترابی همدانی، آرش

رده بندی کنگره : PIR۳۶۰۴

رده بندی دیویی : ۸۱۰/۰۰۹۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۴۷۵۵۷



نشر گویا

خیابان کریم خان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۸۹

تلفن : ۸۸۳۱۳۴۳۱ - ۸۸۸۲۸۸۸۴

www.gooyabooks.com info@gooyapub.com



gooya.publication

gooyabookstore

شاهنامه شاه خورشید چهر

سید علی کاشفی خوانساری

همکاران : آرش ابوترابی همدانی، سید محسن مهرابی، فاطمه مهری،

آرزو انواری، فاطمه سادات میرصانع

طراح جلد: امیر علانی

چاپ نخست: ۱۳۹۹

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۲۸-۶۳-۴

چاپ: خانه‌ی فرهنگ و هنر گویا

حق چاپ و انتشار کلیه‌ی مطالب محفوظ است.

هرگونه اقتباس و استفاده از مطالب منوط به دریافت اجازه از ناشر است.

فهرست

۹.....	اشاره
۱۵.....	مقدمه

حماسه‌های دینی پیش از حمله حیدری

۲۱.....	حماسه چیست؟
۲۲.....	دین و حماسه‌های دینی در ادبیات پارسی
۲۳.....	پیشروان باذل
۲۴.....	علی‌نامه
۲۶.....	خاوران‌نامه
۲۷.....	سعادت‌نامه
۳۱.....	شاه‌نامه حیرتی
۳۲.....	غزوه‌نامه اسیری
۳۲.....	کتاب ملا فارغ
۳۸.....	سایر حماسه‌های دینی

حمله حیدری و حماسه‌های پس از آن

۳۹.....	تعریف حمله‌سرایی
---------	------------------

۴۰.....	زمینه‌های حمله‌سرایي
۴۱.....	حمله‌سرایان
۴۵.....	حمله‌خواني
۴۶.....	حماسه‌های علوی پس از حمله حیدري
۴۷.....	جنگ‌نامه
۴۸.....	شه‌ن‌شاه‌نامه
۴۹.....	خداوند‌نامه
۵۰.....	يعسوب‌نامه
۵۱.....	اردیبهشت‌نامه
۵۲.....	افتخار‌نامه
۵۳.....	خلاف‌نامه
۵۴.....	سایر منظومه‌های حماسی علوی
۵۵.....	مختار‌نامه‌ها و حماسه‌های عاشورایی و.....
۵۸.....	ارزش حماسه‌های دینی

بازل خراسانی

۵۹.....	زندگی باذل
۶۲.....	آثار باذل
۶۳.....	حمله حیدري
۸۳.....	منابع و الگو
۸۷.....	نسخه‌شناسی
۸۸.....	تأملی دیگر در کار باذل

میرزا ابوطالب فندرسکی

۱۷۳.....	زندگینامه
۱۷۴.....	آثار ابوطالب فندرسکی

۱۷۹	حمله حیدری
۱۸۳	تکمله نجف
۱۸۴	نسخه‌شناسی
۱۸۶	تأملی در کار فندرسکی

آزاد کشمیری

۲۴۱	زندگی آزاد
۲۵۱	متمم آزاد
۲۵۶	منبع تاریخی
۲۵۷	نسخه‌شناسی
۲۵۹	جنگ جمل

راجی کرمانی

۳۱۷	زندگی
۳۲۴	آثار راجی
۳۲۷	حمله حیدری
۳۳۵	نسخه‌شناسی
۳۳۸	تأملی در کار راجی
۳۴۷	رزم خیبر

منابع

۴۱۵	کتاب‌ها
۴۱۷	مقالات
۴۱۹	نمایه

اشاره

زینوا مجالسکم بذکر علی^۱

رسول اکرم (ص)

همه عمر برندارم سر از این خمار مستی
که هنوز من نبودم که تو در دلم نشست
سعدی

محبت امیرالمؤمنین و مولی الموحدین حضرت مولانا علی، علیه السلام، آن چنان با جان و ایمان و زندگی ایرانیان آمیخته و چنان ساحات مختلف باور، تفکر، فرهنگ و تمدن ایشان را تحت تأثیر قرار داده که جلوه‌های مکرر آن را از هر سو نشان می‌توان گرفت.

یکی از این جلوه‌ها که به شکل سنت قصه‌خوانی و نقل‌گویی در جای‌جای زندگی سنتی ایرانیان نمود داشته است منظومه‌های حماسی درباره دلاوری‌های مولای متقیان، علی علیه السلام است که با عنوان «حملة حیدری» سروده و شنوده می‌شده‌اند.

۱. طبری آملی، عماد الدین محمد بشارة المصطفی لشیمة المرتضی، ج ۲، ص ۶۰، المكتبة الحیدریة، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۳ق؛ و همچنین علامه حلی، حسن بن یوسف، کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین (ع)، محقق و مصحح: درگامی، حسین، ص ۴۵۰، وزارت ارشاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۱۱ق؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳۸، ص: ۱۹۹، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

این اشعار حماسی در قالب‌هایی چون مداحی، نقالی، پرده‌خوانی، شمایل‌گردانی و تعزیه در تمام ایام سال به کار می‌رفته و از رایج‌ترین گونه‌های قصه‌گویی و هنرهای نمایشی سرزمینمان بوده است.

این فقیر، تتبع در حمله حیدری را در فروردین‌ماه سال ۱۳۷۹ و همزمان با اعلام سال به نام نامی امیرالمؤمنین علی (ع) آغاز کرد. گمانم این بود که ظرف چندماه گزیده‌ای از این منظومه فراهم و منتشر شود. غافل از این که این قصه سر دراز دارد و تا امروز حدود بیست سال است مرا به دنبال خود می‌کشد و سبب نگارش کتب و مقالاتی شده است.

در آغاز با مسیری گنگ و ناشناس روبه‌رو بودم. در کتاب‌های معتبر ادبی، به‌ندرت فراتر از یکی دو جمله به این منظومه اشاره رفته بود و برخی حمله حیدری باذل و برخی حمله حیدری راجی را نام برده بودند. بسیاری از بزرگان از سر دلسوزی می‌فرمودند که این مجموعه ارزش تصحیح و تنقیح ندارد و نباید وقت خود را تلف نکنم.

فهارس نسخ خطی و مراجعه به کتابخانه‌ها مهم‌ترین منابع این فقیر بود و بر همین پایه، روزهای زیادی را در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، مجلس شورای اسلامی، آستان قدس رضوی، مسجد گوهرشاد، مسجد سپهسالار، کتابخانه ملی تبریز و کتابخانه ملک گذراندم.

سرنخ‌هایی که استادانی چون مرحوم دکتر عزیزالله جوینی، حجت‌الاسلام دکتر علی شیخ‌الاسلامی، مرحوم استاد حسین حائری، محمد میرکیانی و مرحوم دکتر جابر عناصری ارائه کردند، بسیار راهگشا بود. همین‌طور راهنمایی‌ها و دلگرمی‌های دوستانم بهروز ایمانی و علی اوجبی که وامدار ایشان خواهم بود.

البته در سال‌های نخست این مسیر، بیش از هرکس دوست فاضل و گرامی، آرش ابوترابی همدانی همراه و یاریگرم بود که هرکجا هست خداوند پناه و یاورش باشد.

پیش از این اثر، دو کتاب در زمینه حمله‌سرایی از این فقیر انتشار یافته است: یکی «حیدرنامه» که منتخبی از حماسه‌های دینی درباره مولای متقیان است و سال ۱۳۸۱ به همت انتشارات موعود عصر انتشار یافت و دیگری «حمله‌خوانی و حمله‌سرایی» که از سوی نشر حوا در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ دو نوبت به چاپ رسید.

در همین سال‌ها مقالات متعددی نیز در این خصوص به چاپ رساندم: در مجلاتی چون میراث مکتوب، کتاب ماه هنر، ادبیات داستانی، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، موعود، گلستان قرآن و... همچنین در مقالات و سخنرانی‌هایم در زمینه قصه گویی دینی همواره نکات و یافته‌هایی را درباره حمله‌خوانی طرح کرده‌ام.

در طول مسیر تدوین این کتاب‌ها همان‌طور که اشاره شد، در سال‌های نخست، آرش ابوترابی همدانی همراه و یاور و راهنمایم بود. در سال‌های دهه هشتاد، دوستان پژوهشگرمان سرکار خانم آرزو انواری، خانم نیکی سیاهپوش و آقای سید مقداد ترابی در جست‌وجوهای کتابخانه‌ای و بررسی نسخ، همراهم بودند. در سال‌های اخیر هم از همراهی دوستانی چون زهرا طاهری، فاطمه‌سادات میرصانع، مهدی شعبانی و لیلا بلون بهره‌مند بودم که از همگی، کمال تشکر را دارم. بازبینی و اصلاح نهایی این کتاب هم به همت برادر، دکتر سید محسن مهرابی صورت پذیرفت که ممنون و مدیون اویم.

کتاب حمله‌خوانی و حمله‌سرایی، درحقیقت مجموعه‌ای از مقالات چاپ‌شده مطبوعاتی فقیر بود که با نوعی تعجیل به کسوت کتاب درآمده

بود؛ پس به جای تجدید چاپ آن کتاب، لازم دانستم مجموعه‌ای دقیق‌تر فراهم آید؛ لذا دو مقاله از آن کتاب که با موضوع اصلی، کمتر مرتبط بود، حذف گردید و چهار فصل مربوط به نمونه اشعار به کتاب قبلی افزوده شد. همچنین مقدمه کتاب نیز مورد بازنگری و بازنویسی کلی قرار گرفت و دو مقاله جدید جایگزین مقاله حماسه‌سرایی دینی شد؛ سایر مقالات هم ویرایش و کامل شد.

تهیه این کتاب‌ها جز با همکاری و بزرگواری کتابداران و مدیران وقت محترم کتابخانه‌ها ممکن نمی‌شد. مرحوم استاد حائری در کتابخانه مجلس، آقای صفر امیری و علی قلعه‌خندابی در بخش مخزن و آقایان پالیزدار، مصوری و مرعی در بخش میکروفیلم و دوست عزیزم آقای کوروش نوروز مرادی در این کتابخانه همواره متقبل زحمات ما بودند.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مدیون حسن خلق و بزرگواری سرکار خانم فریبا حری، مسئول سالن نسخ خطی و همکاران محترم ایشان در آن بخش و آقای شجاعی مسئول بخش عکاسی هستیم.

در کتابخانه آستان قدس که به حق و به میمنت نام متبارک حضرت ثامن الحجج (ع) از مرتب‌ترین کتابخانه‌های کشور است، مرهون لطف استاد غلامعلی عرفانیان، حجت‌الاسلام طالب‌الحق، حجت‌الاسلام قاسمیان و آقایان افخمی و ناصری هستیم. همچنین از ریاست وقت محترم کتابخانه ملی تبریز جناب آقای احمد طبری و همکاران ایشان متشکرم.

خود بیش از هر کس و بیش از همه به نقایص فراوان این کوشش معترفم و از این بابت نخست از حضرت حیدر کرار و سپس از استادان و دانشمندان و دانشجویان و علاقه‌مندان ادب پارسی شرمسارم.

باشد که این وجیزه ناچیز، طرح موضوع و آغازی برای پژوهش‌های

وزین و متین استادان بزرگوار دربارہ حماسہ‌های دینی در ادب فارسی
همچون حمله حیدری باشد و باشد که مولای درویشان حضرت بوتراب از
سر مهر و کرم بر این ذره ناچیز و روسیاه نظری به‌لطف کند.

به ذره گر نظر مهر، بوتراب کند
به آسمان رود و کار آفتاب کند

یا علی

سید علی کاشفی خوانساری

مقدمه

عشق و ارادت مردم ایران زمین به اهل بیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و به ویژه امیر مؤمنان علی علیه السلام، به شکل های مختلف تجلی یافته است؛ گاه در قالب نظم، گاه در قالب نثر، گاه در قالب خط و نقاشی، گاه در قالب معماری و کاشی کاری و گاه...

خلق مجموعه های حماسی که قهرمانان آن، شهسوارانی چون مولا علی علیه السلام، حسین بن علی علیه السلام و دیگر رادمردان اهل بیت اند نیز به نوعی ترجمان همان عشق و ارادت پایان ناپذیر ایرانیان به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است.

روح حماسی ایرانیان که ریشه در تاریخ پر بار ایشان داشت، در کنار جلوه های گونه گون فضایل و سجایای علوی، شیفته صفت شجاعت و دلیری مولا، علیه السلام، شد. ایرانیان در همان وزن و قالبی که پهلوانان اسطوره ای خود را در شاهنامه ها ستوده بودند در حمله حیدری به مدح و منقبت حیدر کرار برآمدند.

یکی از چشمگیرترین جلوه های این ارادت، در مجموعه منظومه هایی که با نام حمله حیدری شناخته می شوند، دیده می شود.

گرچه نمونه‌هایی از حماسه‌های دینی و علوی در قرون پنجم تا یازدهم سراغ داریم اما جایگاه واقعی حماسه‌های علوی در ادبیات فارسی و فرهنگ عامه با سنت حمله‌سرایی محقق شد.

در قرن دوازدهم هجری شاهد شکل‌گیری جریانی ادبی تحت نام «حمله‌سرایی» در سپهر ادبیات فارسی هستیم. حمله حیدری نام عام حماسه‌های منظومی است که عمدتاً به تقلید از شاهنامه در وصف دلاورمردی‌ها و جنگاوری‌های حضرت حیدر کرار امیرالمؤمنین مولانا علی (ع) سروده شده است و موضوع کتاب حاضر نیز معرفی این حماسه‌ها و نگاهی به مهم‌ترین منظومه‌های سروده شده در این قالب است.

نخستین کسی که حمله حیدری سرود، باذل خراسانی از پارسی‌گویان ساکن هند بود. حمله باذل شهرت فراوانی یافت و مورد توجه خاص و عام قرار گرفت و اصطلاح و سنت حمله‌خوانی رواج یافت. نسخه‌های آن فراوان شد و چون مورد توجه عوام قرار گرفت، کاتبان و ناسخان فراوانی بعضاً محض اندوختن ثواب اخروی به کتابت آن پرداختند.

شاعران زیادی سعی در به اتمام رساندن حماسه ناتمام باذل نمودند و شاعرانی هم مستقلاً و به تقلید باذل، حمله حیدری و یا منظومه‌های حماسی مستقلی سرودند. همچنین ترجمه‌ها و تقلیدهای مختلفی از این کتاب به سندی، گجراتی، پشتو و آذری صورت گرفت.

با وجود اقتفا و نمونه‌برداری‌های فراوان از حمله حیدری، هیچ یک از این منظومه‌ها به اقبال عمومی حمله دست نیافتند.

در توصیف جایگاه حمله حیدری در میان فارسی‌زبانان همین بس که کمتر منظومه‌ای را می‌توان یافت که به اندازه حمله حیدری در کتابخانه‌های مختلف نسخه‌های متعدد خطی داشته باشد.

این بحث که چرا به یک‌باره حمله‌خوانی از رونق افتاد مجال دیگری را

می‌طلبد. هرچند که به اجمال می‌توان زمینه‌هایی چون پایان عمر قصه‌گویی، تغییر معیارهای اجتماعی، مخالفت برخی علما، کم‌ارزش پنداشته شدن توسط مصححان و مستشرقان و... را ذکر کرد.

با وجود همه آنچه آمد هنوز دلایل فراوان و کافی برای جبران مافات گذشته و آشنایی دوباره با این دریای غنی حماسی و ادبی وجود دارد. چراکه این متون اسنادی تاریخی - جامعه‌شناختی درباره پیشینیان ماست. متونی که پدران و مادران ما با آنها زندگی می‌کرده‌اند و آینه‌ای از نگرش و باورهای ایشان است. چراکه بخش عمده‌ای از میراث ادبی زبان فارسی و درصد قابل توجهی از مخطوطات و نسخ خطی به حماسه‌های دینی اختصاص دارد و جا دارد که این گوشه مغفول ادب پارسی باز یافته شود. چراکه احیاء این متون اسنادی ارزشمند از پیشینه‌ی قصه‌گویی و هنرهای نمایشی در ایران به دست می‌دهد. چراکه با ایجاد پیوندی میان نسل‌ها، نسل نو را در مقابل خودباختگی و انقطاع فرهنگی یاری می‌دهد. چراکه به شیوه‌ی نو و تجربه نشده به آموزش تاریخ و معارف دین می‌پردازد، درحالی که شیوه‌های رایج کلیشه‌ای، نخ‌نما و دافع شده است، چراکه قرائت نسبتاً متفاوتی از اسلام ارائه می‌دهد درحالی که ظاهراً قرائت موجود چندان در جذب نسل نو توفیق نداشته است، چراکه نگاه حماسی، عرفانی و ولایی را که در طول تاریخ مشخصه‌ی ملی ایرانیان بوده ترویج می‌کند و به مقابله با سستی، خمودی، ریاکاری، انفعال، نهان‌روشی و عافیت‌اندیشی موجود می‌پردازد. چراکه هیجان و ماجراهای این متون هنوز برای جوانان جذاب است و در جذب آنها به مطالعه، دین و ادب فارسی مؤثر. چراکه ما را با ابعاد کمتر شناخته‌شده‌ای از شخصیت مولا، علیه‌السلام، آشنا می‌کند، چراکه قدرشناسی و تعظیمی است برای شاعران و قصه‌گویان گمنام و پاک‌باخته‌ای که در ترویج معارف آل‌الله کوشیده‌اند. چراکه در شرایطی که

برخی کتاب‌های جنگی به دلیل تکرار و شعار جاذبه خود را از دست داده‌اند، روحیه سلحشوری و جنگاوری را در میان نسل نو حفظ می‌کند بی‌آنکه به نفرت قومی و مذهبی بیانجامد. چراکه...



کتاب حاضر ابتدا سیر سرایش حماسه‌های دینی و علوی را پیش و پس از سروده شدن حمله حیدری باذل مرور و از منظومه‌های متعددی که با نام حمله حیدری سراغ داریم، یاد می‌کند.

بخش دوم کتاب به معرفی و نمونه آثار چهار سراینده اصلی و بزرگ حمله حیدری اختصاص دارد.

در هر مقاله اطلاعاتی درباره زندگی شاعر، آثارش، منظومه حماسی او درباره مولای متقیان (ع) و نسخه‌شناسی آمده و سپس اشاراتی به ویژگی‌های شعر او صورت گرفته است. اشعار گزیده از هر شاعر مرتبط با یکی از غزوات و یا جنگ‌هاست.

از باذل خراسانی گزیده‌ای از جنگ بدر، از ابوطالب فندرسکی داستان جنگ نهروان تا شهادت مولا، از راجی کرمانی ابیاتی از جنگ خیبر و از آزاد کشمیری حصه‌ای از جنگ نهروان نقل شده است.

با توجه به تعدد نسخ از یکسو و غیر اصیل بودن نسخه‌ها و تفاوت فراوان آنها از سوی دیگر، تصحیح نسخه‌ها عمدتاً به شکل ذوقی انجام شده است.

ضمناً از آنجا که مآخذ و منابع فصول مختلف عمدتاً مشترک بوده، مآخذ به شکل کلی در پایان کتاب آمده است.



در این کتاب، نکات تازه فراوانی درباره حمله حیدری و سراینده‌گان آن

آشکار شده و برخی اشتباهات پذیرفته شده و سوءبرداشت‌های ادب‌پژوهان متأخر تصحیح شده است.

به جز رفع اشکالات فراوان فهرست‌نویسی‌ها و یا نکات تاریخی جدید و... مهم‌ترین دستاوردهای این جست‌وجو که به تصحیح برخی اشتباهات متداول انجامیده و برای نخستین بار مطرح می‌گردد، چنین است:

۱. سال خاتمه منظومه باذل ۱۱۲۳ است و نه ۱۱۱۹، آن چنان که پرچ، اته و دیگران نوشته‌اند.

۲. کتاب ملا مسکین فراهی نمی‌تواند تنها منبع باذل بوده باشد.

۳. منظومه فندرسکی تکمله باذل نیست بلکه منظومه‌ای مستقل و هم‌عصر است.

۴. منظومه فندرسکی ناتمام است.

۵. تکمله مشهور، سروده میرزا محمدصادق آزاد است و نه میرزا ارجمند آزاد و یا میر غلامعلی آزاد.

۶. منبع آزاد کتاب تاریخ ابن اعثم است.

۷. کتاب آزاد را هم می‌توان ناتمام دانست چرا که طی چند بیت و بدون ذکر وقایع تاریخی شهادت مولا به پایان رسیده است.

۸. کتاب راجی در حقیقت هشت کتاب کوتاه مستقل و جداگانه بوده که پس از مرگش به این شکل تدوین شده است.

۹. راجی سرودن منظومه‌اش را در زمان زندگی در یزد، پیش از ملاقات ظهیرالدوله و با سرایش جنگ خندق آغاز کرده است.

۱۰. منظومه راجی نیز ناتمام است.

حماسه‌های دینی پیش از حمله هیدری

حماسه چیست؟

حماسه گونه‌ای ادبی است که در قالب متنی بلند و معمولاً منظوم، به توصیف جنگاوری‌ها و دلیری بپردازد.

مفاخره، سبک فاخر، شرافت یا اشرافیت، عوامل فراطبیعی، ماجراجویی، حضور ضد قهرمان، اغراق و دفاع از هویتی ارزشمند از جمله عناصر مشترک بیشتر حماسه‌هاست.

کمتر است و ملت ریشه‌داری است که از روزگار کهن حماسه‌ای برای امروزیان به ارمغان نیاورده باشد. اکثر این حماسه‌ها در اصل جنبه‌ای مذهبی داشته‌اند، هرچند که امروز تنها جنبه اسطوره‌ای آن بر جای مانده باشد. مهابهاراتا و رامایانا در فرهنگ هندو، گیلگمش در بین‌النهرین، ایللیاد و اودیسه در فرهنگ یونانی، انه‌اید در فرهنگ رومی، بخش‌هایی از یشت‌های اوستا، کارنامه اردشیر بابکان و یادگار زریران در فرهنگ ایرانی و حتی قسمت‌هایی از عهد عتیق از جمله این حماسه‌های کهن هستند.

در ایران پس از اسلام، دلبستگان تمدن پیشین و شعوبیان، کوشیدند

حماسه‌های ملی را جمع‌آوری کنند که حاصل آن به قلم دقیقی طوسی، فردوسی، اسدی طوسی، فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی گنجوی به یادگار مانده است. بسیاری نیز در قرون بعد کوشیدند حماسه‌هایی در وصف سلاطین و امرای متبوع خود یا اجداد ایشان پدید آورند. در این میان مضامین و قصص دینی نیز خصوصاً داستان‌هایی که جنبه پهلوانی داشت، در قالب حماسه‌های دینی جلوه‌گر شدند.

پیش از آن که به جریان حمله‌سرایی در سپهر ادبیات فارسی بپردازیم، مروری مختصر بر حماسه‌های دینی پیش از آن خواهیم داشت.

دین و حماسه‌های دینی در ادبیات پارسی

نمونه‌های منظومه دینی در ادبیات فارسی، پیش از حمله حیدری هم وجود داشته‌اند. هرچند که تاریخ عمده این آثار به پیش از قرن دهم بازمی‌گردد. شعر پارسی پس از اسلام که در دربارهای محلی شکل گرفته بود تا سال‌ها نسبت و مواجهه‌ای با ادبیات دینی نداشت. اولین نمونه‌های شعر دینی را هم در میان آثار شاعرانی می‌یابیم که به دین رسمی و حکومتی آن دوران که تسنن حنفی وابسته به عباسیان بود، گرایشی نداشتند و عمدتاً وابسته به گروه‌های اقلیت همچون صوفیان و شیعیان و مورد انتقاد عالمان رسمی دینی بودند. از همین رو در دواوین شاعران بزرگ پارسی که تا قرن هفتم هم دربار خاستگاه و جایگاه اصلی ایشان بود، به چنین اشعاری کمتر برمی‌خوریم.

شهید بلخی، کسایی مروزی، ابوسعید ابوالخیر، فردوسی، حکیم میسری، ناصر خسرو، قوامی رازی، مسعود سعد سلمان و باباطاهر همگی در میان چنین اقلیتی جا داشته‌اند تا آنکه با رسمیت و مقبولیت یافتن شعر صوفیانه به همت سنایی، اشعار دینی رسماً به انواع شعر پارسی افزوده می‌شود.

هرچند سنت مناقب خوانی حداقل از قرن چهارم در میان صوفیان، کیسانیه، اسماعیلیه، زیدیان و تا حدی در میان امامیه وجود داشته و گاه این مناقب خوانان به عقوبت‌های سختی از سوی عالمان دینی محکوم می‌شدند، اما تا عمومیت یافتن حمله‌سرایی متون داستانی بلندی که همچون شاهنامه قابل قصه‌گویی و نقلی عمومی باشد در دست نداشتند و جایگاه مناقب در ادب عامه و نه در ادبیات رسمی بوده است. شعر دینی پارسی با قدرت یافتن صفویان که دو جریان تشیع و تصوف را به هم پیوند می‌دادند، عمومیت بیشتری یافت و به عرصه داستان‌سرایی گام نهاد تا به دنبال آن با سرایش حمله حیدری، راه‌یابی آن به نقالی‌های مردمی و ادبیات مکتوب و جریان زندگی اجتماعی ممکن شود.

پیشروان باذل

تا پیش از سرایش نخستین حمله حیدری، حماسه‌های دینی از قبیل علی‌نامه سروده ربیع (سروده به سال ۴۸۲ هـ)، خاوران‌نامه محمدبن حسام‌الدین خوسفی (سروده به سال ۸۳۰ هـ)، شهادت‌نامه ابن همام شیرازی (سروده به سال ۹۰۳)، سعادت‌نامه نظام استرآبادی (سروده به سال ۹۱۸ هـ)، مشهدالشهداء حسین ندایی یزدی (سروده اوایل قرن دهم)، مختارنامه از آرانی کاشانی (در قرن دهم)، شاهنامه حیرتی (سروده به سال ۹۵۳) و غزوه‌نامه اسیری (سروده به سال ۹۶۷ هـ)، کتاب ملافارغ (سروده به سال ۱۰۰۰ هجری)، منظومه‌های حسن بن سیدفتح‌الله (سروده به سال ۱۰۱۳ هـ)، مجمع‌البحرین اسیری (در قرن ۱۱) و غزوات امیرالمؤمنین از فصیح اصفهانی (برادر میرزا طاهر واقعه‌نویس در قرن ۱۱) و چند حماسه دیگر را می‌توان سراغ گرفت که به برخی از مهم‌ترین آنان اشاره می‌کنیم.

این حماسه‌ها پیش رواج عنوان حمله به عنوان گونه‌ای ادبی، معمولاً با عنوان ولایت نامه و حیدرنامه طبقه بندی و شناسایی می‌شدند.

علی‌نامه

علی‌نامه منظومه‌ای کهن و دیرپافته از سراینده‌ای با تخلص ربیع است که سال ۴۸۲ سروده شده و نسخه‌ای از آن که در قرن هفتم کتابت شده، در کتابخانه قونیه به دست آمده است. بر اساس مقاله‌ای که دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی درباره این منظومه سال ۱۳۷۹ در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی نوشته‌اند شاعر متولد سال ۴۲۰ است و داستانش را با بیعت مردم با امیرالمؤمنین آغاز کرده و جنگ‌های جمل و صفین را سروده است. از سرایش داستان وقایع قبل و بعد از این مقطع توسط این شاعر سند و نشانه‌ای در دست نیست.

استاد شفیعی کدکنی بنا بر قراین و شواهدی احتمال داده است که ربیع همان شیخ عبدالملک بنان قمی باشد که مناقب‌خوان و قصه‌گوی علوی بوده است و در برخی کتب به چنین کتابی از او اشاره شده است.

این منظومه که ۱۲۰۰۰ بیت دارد، در صورت اصالت از اهمیت تاریخی شگفت‌آوری برخوردار است. چرا که با فاصله تنها پنجاه سال پس از شاهنامه سروده شده و بسیاری از باورها در خصوص تاریخ حماسه‌های دینی را تغییر می‌دهد. هرچند که به‌عنوان یک استثنا چندان در تحلیل سیر تاریخی این حوزه مؤثر نیست.

ربیع گرچه قطعاً شاعری شیعی است، نسبت به خلفا و صحابه مؤدب سخن می‌گوید. او که همچون بسیاری از حماسه‌سرایان شاهکار فردوسی را الگوی کار خود قرار داده، عشق خود را به مولا علی و محبتش را به رستم

چنین به نمایش می‌گذارد:
کنون بشنو ای مرد پاکیزه رای
که این جنگ چون کرد شیر خدای
چگونه کشید آن شهنشاه، کین
به شمشیر یزدان ز بدخواه دین
ز شهنامه رستم و گیو و طوس
شنیدی بسی زرق و هزل و فسوس
از آن نیست پذیرفته از صد یکی
برین کرده بر دین نیارد شکی
جهان‌آفرین تا جهان آفرید
چون حیدر سواری دگر ناورید
اگرچند بد رستم او مردِ مرد
چو گردی بُدی با علی در نبرد
اگر عهد او در بُدی رستم
نهادی غلامیش سر بر قدم

این منظومه تازه‌یافته از جهات مختلف خواندنی و دیدنی است. از
سویی بسیاری لغات به‌کاررفته در آن تازگی دارد و از سوی دیگر ارزش
ادبی و داستان‌سرایی آن از نمونه‌های متأخر و مشهور، هیچ کمتر نیست.
چو سر بر زد از کوه، رخشان درفش
هوا سیمگون شد فلک چون بنفش
دو لشکر چو دریا به جوش آمدند
شجاعان به کین در خروش آمدند
دو رویه سپه طبل کین کوفتند

یلان آتش کین برافروختند
 هر آن دیده‌ای کان سپه را بدید
 همی گفت آمد قیامت پدید
 سپاه عدو را چه گویم شمار
 که بُد بی‌عدد، چند ره سی هزار
 بیابان بُد از رایت رنگ‌رنگ
 بمانند بشکفته بستان گنگ

خاوران‌نامه

خاوران‌نامه محمد بن حسام سروده ۸۳۰ ق؛ که بخش‌هایی از آن تاریخی و بخشی غیر تاریخی است و هفت بار در ایران و هند منتشر شده و چاپ بسیار نفیسی هم از آن موجود است.

این منظومه البته مشحون از افسانه است و در آن امام علیه‌السلام همراه مالک اشتر به جنگ در سرزمین‌هایی می‌پردازد که طبق اسناد تاریخی به آنها گام ننهاده است. دشمنان او در این داستان علاوه بر انسان‌های تاریخی و افسانه‌ای، غول‌ها و اژدرها را هم شامل می‌شوند. ابن‌حسام منظومه‌اش را چنین آغاز کرده است:

نخستین بر این نامه دلگشای
 سخن نقش بستم به نام خدای
 خداوند هوش و خداوند جان
 خداوند بخشنده مهربان
 یگانه خداوند بالا و پست
 گواه است بر هستی‌اش هرچه هست

خاوران نامه همانند شاهنامه در وزن متقارب سروده شده و سراینده اش در سال ۸۷۵ ق. در حوالی قاین از دنیا رفته است. علی نامه و خاوران نامه هر دو با نیت نقل و شفاهه سروده شده اند و متن مورد استفاده مناسب خوانان و قصه گوینان بوده اند و به تعبیری از جمله متون ادب عامه هستند.

سعادتنامه

نظام الدین استرآبادی که به نظام معمایی نیز مشهور است، در سده نهم هجری در استرآباد چشم به جهان گشود. او در ابتدا اشعار معمایی می ساخت اما دست در حبل المتین ائمه اطهار زد و به مدح ایشان پرداخت. به جز سعادتنامه درباره غزوات رسول، او مثنوی دیگری به نام «سلیمان و بلقیس» دارد.

نظام در سال ۹۲۱ هجری قمری درگذشت و در استرآباد مدفون شد. نمونه ابیاتی که از منظومه او نقل می شود به پایان غزوه بنی قریظه و سخنرانی حضرت رسول و مدح حضرت ایشان از دلاوری مولا علی مربوط است و نشانگر قدرت و قوت شعر اوست.

محمد بلبل باغ فصاحت

مه تابنده اوج صباحت

در یکدانه بحر عنایت

شکرخا طوطی مصر هدایت

نقاب صبح از خورشید شد دور

نماند از نور سر غیب مستور

غبارآلوده بودش گوهر پاک

بدن شست آب حیوان ریخت بر خاک
 شدش پاک از نقاب آینه بدر
 پریشان شد ز مویش لیلۃ القدر
 ز رشح ابر رحمت لاله تر شد
 قمر در پرده شب جلوه گر شد
 ز شانه جعد مشکین شد پریشان
 به ظلمت آب حیوان گشت پنهان
 مه عالم فروز اوج حشمت
 نهان گردید زیر ابر رحمت
 دمید از خلد عطر عود و عنبر
 چمن فصل بهاران شد معطر
 به مسجد رفت و بر منبر برآمد
 به روی کوه خاور خور برآمد
 نظر بر اهل دین هر جانب انداخت
 برایشان درج گوهر سرنگون ساخت
 رخس در جلوه ماه آسمان گشت
 به توحید الهی در فشان گشت
 پس از توحید و حمد لایزالی
 ز وعظ افشاند هر جانب لالی
 دم گرمش چنان شد مجلس آرا
 که زد آتش به جان پیر و برنا
 چنان از جام عرفان مجلس آراست
 که هر سو نعره مستانه برخاست
 دگر گفت ای هواداران یکدل

مبادا بر شما احوال مشکل
گره از رشته کارم گشودید
وفا کردید و یاری ها نمودید
دل کس از شما محنت مبیناد
نکو رفتید رحمت بر شما باد
به اهل مسکنت احسان نمایید
به شکر حق زبان ها برگشایید
که چون شد هر طرف رسم مدارا
بر اعدا سرفرازی داد ما را
صف اعدای دین را سرنگون ساخت
لوائی بخت ما را سر برافراخت
شما را در جهان خیرالامم کرد
به توفیقات ایمان محترم کرد
به جنگ خندق از اعدای عاصی
شما را داد از احسان خلاصی
به لطف خود شما را ساخت فیروز
چه روزی بود می دانید آن روز
اگر مغلوب می گشتیم بالله
که می شد رشته اسلام کوتاه
به روی دولت ما چین فتادی
خلل در کار و بار دین فتادی
بود عون الهی گرچه ما را
کند اسباب فتح ما مهیا
ولی شاه ولایت ساخت آن روز

شما را بر سپاه کفر فیروز
 ازو شد مشکلات کار آسان
 که عمرو عبود را کشت آن سان
 به هیجا برج حصن حالمان بود
 ستون خیمه اقبالمان بود
 جدال حیدری در روز خندق
 که گشت از لطف یزدانی موفق
 بود افضل به نزد حی ذوالمن
 ز هر طاعت که آن را امت من
 بهجا آرند تا روز قیامت
 نماندشان به قامت استقامت
 علی نور جبین ماست بالله
 علی بازوی دین ماست بالله
 علی شمع شبستان حیات است
 علی در محیط کائنات است
 به نام اوست نقد هر دو عالم
 بود نور دو چشمم در دو عالم
 ز من او را جدا کردن بود کفر
 به سلک غیرش آوردن بود کفر
 میان ما حدیث ما و من نیست
 من اویم، او من است اینجا سخن نیست
 مرا جان بهر وی در تن نهان است
 میان ما و او جان در میان است
 بود جانم که غمخوار است جانی

جدا از وی ندارم زندگانی
دگر نازل شد از منبر پیامبر
فرود آمد ز گردون مهر انور

شاهنامه حیرتی

شاهنامه حیرتی سروده ۹۵۳ق. درباره جنگ‌های پیامبر و ائمه که شامل ۲۰۸۰۰ بیت در بحر هزج است که همزمان با سلطنت شاه طهماسب اول سروده و به او تقدیم شده است.

این شاهنامه در بیست هزار و هشتصد بیت سروده شده و ابیات آن برخلاف شاهنامه فردوسی در بحر هزج است.

ملا حیرتی تونی در سال ۹۶۱ یا ۹۷۰ق. در کاشان از دنیا رفته است.

شروع این مثنوی چنین است:

الهی از دل من بند بردار
مرا در بند چون و چند مگذار
الهی ساز آسان مشکلم را
نما راهی به ملک جان دلم را
او نیز چالش با شاهنامه را در ذهن دارد و در انتهای منظومه از آن یاد می‌کند:

چو نظم من به نام شاه دین است

ز روی راستی شهنامه این است

به مدح شاه باید راند خامه

به نام شاه باید شاهنامه